

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Political

سیاسی

مهدی ضمیری  
فرستنده: علی کاظمی - ایران  
۰۷ دسمبر ۲۰۱۶

## وداع فیدل منادی همبستگی تمامعیار جهان سوم

درگذشت فیدل نود ساله جهان سوم را به جوش و خروش عجیبی انداخت انگاری سالها کشورهای جهان سوم و مردمان زحمتکش و رهبران آن منتظر همچنین روزی بودند تا قدرت و تلاش یک قرن جان فشانی خود را برای یک آینده بهتر و مطمئن تر به جهانیان اعلام کنند. آنها آمده اند تا دمکراسی توده ئی خود را به متجاوزان از هر قماش آنها تحمیل کنند جهان سوم که تا پنجاه سال گذشته زیر یوغ نژادپرستی، استعمار و جنگ و اشغال سپری کرده بود اینبار با قدرت سران خود را وارد کارزار دفاع از دست آوردهای جهانی کرده است آنها آمده اند تا فریاد زنند که جنگ و تجاوز و اشغالگری و نفرت افکنی نمی خواهیم آنها با جمعیت بیش از دوسوم دنیا و با درآمد ناخالص ۶۰٪ جهان پای به میدان کارزار گذاشته اند و ندا داده اند که جامعه جهانی وارد فاز عدالت اجتماعی شده است و قادر است از دست آوردهای خود دفاع کند.

اولین نمایش قدرت شرکت اکثریت سران کشورهای جهان سوم در مراسم بزرگداشت فیدل بود که در یک کشور کوچک با امکانات محدود و با جمعیت کم تا اینجا با پشتیبانی همین کشورهای جهان سوم روی پای خود ایستاد. این کشورها و رهبران جهان سوم که بخش بزرگی از آنها جزو کشورهای غیر متعهد بودند که در تمام مجامع بین المللی از منافع همدیگر از جمله از منافع کوبا دفاع کردند و کوبا را حمایت کردند.

وجود سران برجسته ای همانند رابرت موگابه قهرمان مبارزه با آپارتهاید در افریقا و پایان دهنده رژیم نژادپرست یان اسمیت که حتی جرأت کرده بود نام زیمباوه را تغییر دهد و کشور زیمباوه را به نام خودش بکند موگابه، نلسون ماندلا و پاتریس لومومبا همان فیدل هاو چه گوارا ها هستند که در قاره افریقا اولین پرچم مبارزه با نژادپرستی را بلند کردند و پس از تشکیل حزب کمونیست این کشور که رهبری مبارزات ضد استعماری و نژاد پرستی را به عهده داشت حزب کمونیست افریقای جنوبی را نیز سازمان دادند و شخصیت برجسته نلسون ماندلا را به افریقای جنوبی و به تمامی کشورهای زیر استعمار ارزانی کردند.

این زوما رئیس جمهور کمونیست افریقای جنوبی بود که به همراه دکتر موگابه و بسیاری از رهبران دیگر افریقا به کوبا رفت تا پیروزی و قدرت رهبران و مردم زحمتکش افریقا را با همبستگی به کشورهای امریکای لاتین رسماً اعلام کند نشان دهد که دیگر هیچ نیروئی در جهان قادر به درهم شکستن این نیروی بالنده در جهان نیست. در امریکای لاتین

همه رهبران کشورها در مراسم شرکت داشتند و تعداد زیادی از آنها از تریبون سخنرانی در هاوانا از پیگیری در مورد عدالت اجتماعی که به شعار روز جهان سوم بدل شده است، با فشاری و صحبت کردند.

از آسیا هندوستان و چین دو کشور قدرتمند اقتصادی و نظامی که خود برای استقلال و اجرای عدالت اجتماعی سالیانسال مبارزه کرده بودند پیام روشنی به متجاوزان گذشته دادند که هیچ کشور جهان سومی دیگر تنها نیست نیپال کشور کوچک دیگری در آسیا که تحت رهبری احزاب چپ اداره می شود در این مراسم به یاد ماندنی شرکت داشت در آسیا تنها چند کشور همانند جاپان و کوریای جنوبی در این مراسم شرکت نکردند که همچنان در انتظار معجزه جنگی دیگر برای ویرانی زیر ساختهای کشورهای آسیایی هستند البته آرزویی که بر باد رفته است و می رود که آخرین نفسهای خود را طی کند و خانواده پارک برای همیشه از صحنه سیاست کوریای جنوبی محو و نابود شود که نتیجه آن اتحاد عمل و یک پارچگی دو کوریا است شکی نیست که به زودی اتفاق خواهد افتاد.

کشورهای اروپائی چه غرب و چه شرق آن، روی تئوری ارتجاعی خود پای فشردند و با ادعای این که فیدل دیکتاتور بوده است نه تنها به رهبران بلکه به مردم کوبا نیز تسلیت نگفتند گویا آنها فراموش کرده اند طی ده سال گذشته چه جنایاتی در عراق ، لیبیا ، افغانستان و افریقا انجام داده اند.

جاپان در آسیا به خاطر جنایاتی که در زمان استعمار و فاشیسم انجام داده بود و تنها در چین بیش از ۳۸ میلیون چینی را کشته بود مورد نفرت همگانی است و کوریای جنوبی و رژیم موروئی پارک گیون هی از پدری دیکتاتور که به طرز فجیعی به خاطر جنایاتی که علیه مردم کوریای جنوبی کرده بود کشته شد و مادرش هم به شکل وحشتناکی خود کشی کرد و این باز مانده به شدت مذهبی و ضد کمونیست و به شدت وابسته به نیروی نظامی امریکا طی دو هفته اخیر به خاطر دزدی و دوزو کلک مالی و مخالفت با اتحاد دو کوریا با تظاهرات میلیونی مردم مواجه شد و گفت که تا چند ماه دیگر استعفاء خواهد داد البته اگر این کار را نکنند مردم خانه ویران او را بر سرش خراب خواهند کرد مخصوصاً که امریکا در گیر مسائل پیچیده داخلی است و توان در گیری و مصاف با دوسوم جمعیت جهان را ندارد..

امریکای لاتین مسیر خود را که اجرای عدالت اجتماعی است پیدا کرده است امریکا به سختی قادر خواهد بود دوباره جای پائی با جنایاتی که در این منطقه کرده است باز کند مخصوصاً با وضعیت فلاکت بار اقتصادی که دارد.

درگذشت فیدل آشکارا نشان داد جهان در حال گزار وارد مناسبات دیگری شده است تنه این تحولات بزرگ را در بلشوی که در امریکا و در اروپا شاهدیم گواه خوبی بر این مدعاست که آنها دیگر به سختی می توانند سیاست راسیستی و استعماری خود را به جهان سوم تحمیل کنند.

گرایش به راست در کشورهای اروپائی نشان از نارضایتی مردم از سیاستهای جنگ طلبانه و هزینه این جنگها دارد که وضعیت معیشتی و ستاندارد زندگی آنها را به هم ریخته است از اروپای شرقی و غربی که سابقه خوبی از نظر تاریخی ندارند دور از انتظار نبود که در مراسم شرکت نکنند ولی از نظر مالی هم دیگر قادر نیستند تن به ریسک بدهند و خود را در گیر جنگ و تجاوز بکنند خاورمیانه در هم و برهم و موج پناهندگان و احتمال پاشیدگی اتحادیه اروپا دیگر جانی برایشان باقی نگذاشته است که بی گذار به آب بزنند المان نازی و فاشیست موفق شده بود همه کشورهای اروپائی را زیر پرچم خود جمع کند ولی کدام کشور در اروپا حاضر است به خاطر المان ، فرانسه و یا انگلستان خود را وارد جنگ کند آنها هم برای دفاع از منافع یک اقلیت سرمایه دار انحصاری.

تازه کدام کشور جرأت می کند به چین و یا روسیه و حتی به هندوستان و یا برزیل حمله نظامی کند و حاضر شود دوباره قدم نظامی در افریقا بگذارد . امریکا زودتر از اروپا خطر را در یافت و انتخابات نشان داد که این کشور قصد دارد مشکلات داخلی با بدهکاری عظیمی که دارد را جبران کند که خود نیاز به حد اقل سه دهه وقت دارد این است که

شرکا را به امان دیدگاه جنگ طلبانه نظیر المان و فرانسه تنها گذاشته و خواهد گذاشت تازه اگر بخواهد وارد جنگ شود با کدام پشتوانه مالی، نظامی و مردمی پای جنگ خواهد رفت.

غرب و نیروهای ارتجاعی از هر قماش آنها ابتکار عمل را از دست داده اند و دیگر قادر نیستند با جهان سوم که اینک علناً و آشکارا عدالت اجتماعی را فریاد می زند و می تواند از آن دفاع کند، در بیفتند.

ابراز همبستگی تمام عیار با مردمان و رهبران خوب و موفق کوبا که طی چند روز گذشته از طرف چین، روسیه، کوریای شمالی، ویتنام، لائوس، روسیه سفید و اتحادیه اقتصادی هم پیمان، کامبوج، و..... نشان داده اند اجرای عدالت اجتماعی غیر قابل بازگشت هست و فاکتورهای لازم برای دفاع از دموکراسی توده ئی کاملاً مهیاست.

اگر غرب و شرکاء عاقل باشند باید پیام را دریافت کرده باشند که دوران جولان دادن و نابودی سرمایه زحمتکشان جهان سوم به پایان رسیده است و راهی جز همکاری و همزیستی باقی نمانده است با این تفاوت که اینک جهان سوم دست بالا را از نظر انبوه جمعیت، منابع طبیعی، سرمایه، بازار مصرف، پراکندگی مناسب جمعیتی در سطح جهان غرب را در محاصره کامل خود دارد.

حتی کانادا هم دیگر حاضر نیست خود را در گیر جنگهای بی پایان غرب علیه جهان سوم کند نخست وزیر کانادا که در چین و در بیجینگ زندگی کرده است به تجربه مشاهده کرده است که چین علی رغم محاصره همه جانبه کشورهای غربی چگونه با دموکراسی توده ئی مقام اولی اقتصاد دنیا را از آن خود کرده است پدر نخست وزیر کانادا سالها سفیر کانادا در چین بوده است و اولین کشوری بود که پس از حاکمیت کمونیستها در سال ۱۹۴۹ چین و سیستم آن را به رسمیت شناخته است و اخیراً روابط تجاری آزاد با چین به امضاء رسانده است.

چه کسی فکر می کرد فیدل حقوقدان کوبائی و چه گوارای پزشک ارجنتائینی در سال ۱۹۵۹ یکی از شهر سانتیاگو و دیگری از هاوانا پایتخت کوبا با مبارزه مسلحانه و بسیج همه زحمتکشان دیکتاتوری نظامی وابسته به امریکا را به زیر بکشند و مجبورش کنند فرار را بر قرار ترجیح دهد و به آنجائی برود که امیدوار بود دوباره با قدرت نظامی برش گردانند. این دوجوان پر شور و شوق هنوز جوانتر از آن بودند که رهبری یک کشور را به دست گیرند. این ابتکار و شهامت از کجا به دست آمد که فیدل با نیروی نظامی اش مسافت هشتصد کیلومتری را طی کرد تا خود را به هاوانا برساند تا تشکیل دولت ملی دموکراتیک را به همراه هم‌رزم خود چه گوارا اعلام کند و مژده دهد که می شود یک دیکتاتور نظامی را هرچقدر هم که قدرتمند و وابسته باشد با نیروی قهر سرنگون کرد و در پی آن قدرت حامی نتواند تا به امروز جایگاه سابق خود را در کوبا پیدا و احیاء کند.

فیدل و چه گوارا اگر چه هنوز جوان و کم تجربه بودند ولی آنقدر مستحکم و استوار بودند که خود را بدانش مبارزاتی دیگر کشورها مسلح کنند و از تجارب آنها درس آموزی کنند و به دقت پروسه انقلاب چین و کوریا را مورد تحلیل و بررسی قرار دهند.

جنگ مسلحانه توده ئی در چین با شرکت نیروهای ملی و چپ که علیه چیانکایچک یکی از قدرتمندترین نیروهای نظامی جهان با پشتیبانی همه جانبه امریکا بر خوردار بود به پیروزی رسیده بود همکاری نیروهای ملی به رهبری دکتر سون یاتسن که بدون تردید یکی از برجسته ترین شخصیت های تاریخ بشر است و حاضر شده با حزب نوپای کمونیست چین تحت رهبری مائوتسه تنگ جامعه فئودالی و عقب افتاده هزاران ساله چین را به یک کشور مدرن و مفید به حال مردم چین و جهان در آورد، همکاری کند.

دکتر سون یاتسن که رهبر حزب ملی دموکراتیک چین بود سه پیشنهاد حزب کمونیست چین را مبنی بر همکاری مشترک بر اساس منافع مشترک، به رسمیت شناختن اتحاد جماهیر شوروی و همکاری همه جانبه با آن و اصلاحات

ارضی در سراسر چین را پذیرفت و زمینه مبارزه با فاشیسم جاپان را که منجر به پیروزی شد فراهم آورد این همکاری آنچنان پایدار و از پشتیبانی هر دو نیرو بر خوردار بود که مائو مسئولیت تدریس در آکادمی نظامی چین را پذیرفت و در آنجا سالها به تدریس پرداخت و بسیاری از تئوریهای جنگ را در عرصه های مختلف ستراتیژی و تاکتیک جمع بندی کرد و توانست با دیگر رهبران انقلاب، فاشیسم جاپان را از پای در آورد و در سال ۱۹۴۹ در میدان صلح آسمانی ایجاد جمهوری دمکراتیک خلق چین را معرفی کند . . دوجوان کوبائی و ارجنتائینی جسته گریخته با چگونگی جنگ چریکی در چین اطلاعاتی از طریق روزنامه های امریکائی در کوبا به دست آورده بودند و آنها را به جد مورد مطالعه و تحقیق قرار می دادند.

چین با تدوین تئوری مبارزه مسلحانه سرانجام موفق شده بود قدرتمن ترین نیروی نظامی جهان را با محاصره شهرها از طریق روستاها با موفقیت به پیروزی برساند و رژیم نظامی پوسیده و وابسته چیانکایچک را سرنگون کند . چین در سال ۱۹۴۹ در میدان تین آن من ( میدان صلح آسمانی ) رسماً پیروزی را با حضور رهبران جوان و برجسته ای چون هوشی مین رهبر حزب کمونیست ویتنام و کیم ایل سونگ رهبر حزب کمونیست کوریای شمالی و نمایندگان ویژه ای از اتحاد شوروی و دیگر کشورهای عضو بلوک شرق با حضور رهبران برجسته داخلی که همگی نقش تعیین کننده ای در پیروزی انقلاب داشتند همانند جنرال جوده ، فرمانده نظامی ارتش سرخ ، چوئن لای نخست وزیری بسیار کار آزموده و با تجربه در روابط درون و برون مرزی و برنامه ریز اجرایی ، تنگ سیائو پینگ اقتصاد دان و ستراتیژیست نمونه و کارگشته ، لیوشائوچی سیاستمداری با تجربه و دور اندیش به تدریج به مردم زحمتکش چین معرفی شدند که هرکدام به نوبه خود در سرنوشت و ایجاد جمهوری دمکراتیک خلق چین نقش تعیین کننده ای داشتند.

فیدل جوان و چه گوارا در عنوان جوانی با مبارزات مسلحانه چین آشنا شدند و از آنجا که جامعه کوبا و چین وجه اشتراک فراوانی داشتند مصمم شدند مبارزه مسلحانه را به عنوان راه حل نهائی انتخاب کنند ولی از آنجائی که هنوز حزب کمونیست استخوان داری در کوبا وجود نداشت تا سال ۱۹۶۲ پای مجادلات ایدئولوژیک حزبی نرفتند و حتی تا سال ۱۹۶۳ با این که نزدیک چهار سال از قدرتگیری جنبش مسلحانه به پیروزی رسیده بود هنوز بر روی جنبش ملی دمکراتیک پای می فشردند . این تجربه در کوبا نشان می دهد که رهبری جنبش توانسته بود اکثریت مردم کوبا را که در چمبره دیکتاتوری باتیستا گرفتار آمده بودند و نقشی به جز برده را نداشتند با خود همراه کند.

فیدل و چه تصمیم گرفتند ابتداء دوشهر مهم و پر جمعیت سانتیاگو و هاوانا را همزمان آزاد کنند و چنین نیز کردند و کاسترو با نیروهای نظامی و کادر های نظامی راه پیمائی هشتصد کیلومتری را به سمت پایتخت آغاز کردند و در طی مسیر مردم زیر ستم به این کاروان و مارش انقلابی پیوستند شبیه راه پیمائی طولانی در چین که سر انجام نتیجه مورد نظر توده ها را به بار آورد و از آن به بعد نیروهای زحمتکش و روشنفکران با آغوش باز برنامه های حزب کمونیست چین را پذیرفتند و با آن تا پیروزی نهائی همکاری کردند.

رابطه فیدل و چه تا زمانی که زنده بود با کشورهای چین ، کوریای شمالی و ویتنام هرگز قطع نشد و آنها به اتفاق بارها به دیدن مائو و رهبران چین رفتند و شالوده همکاری همه جانبه را بدون تعیین تکلیف برای همدیگر فراهم کردند. فیدل بعداز اولین دیدار و پس از در گذشت چه گوارا بارها به چین و کوریای شمالی مسافرت کرده بود و از همکاری همه جانبه این دوکشور بر خوردار بود که هنوز هم این دوکشور در کنار مردم کوبا و رهبران آن قرار دارند.

پیام رئیس جمهور چین که در عین حال رهبر حزب کمونیست هم هست نشان داد که دوکشور تا چه اندازه در طول تاریخ مبارزاتی خود در کنار هم قرار داشتند و بر عهد و پیمان خود پای برجا بودند مخصوصاً که از سال ۱۹۹۰ روسیه با مشکلات عدیده ای مواجه شده بود چین و کوریای شمالی با تمام توان در خدمت کوبا و روسیه قرار داشتند.

شی جینگ پین رئیس جمهور چین شخصاً به هاوانا رفت و دیر تر نخست وزیر چین لی کیچانگ هم در آخرین هفته های حیات فیدل در هاوانا بود بعد از خبر تأسف بار در گذشت فیدل یکی از ماندگار ترین رهبران جهان رهبران چین اعلام کردند آنها بهترین دوست و هم‌رزم خود را از دست داده اند هر دو رهبر چین ساعتها با فیدل به تبادل تجربه نشستند.

امروز کوبا و دیگر کشورهای کوچک و از نظر اقتصادی ضعیف تنها نیستند چین به عنوان قدرتمندترین کشور اقتصادی دنیا رسماً اعلام کرده است با تمام توان با کشورهای جهان سوم از جمله کوبا بدون هیچ پیش شرطی همکاری همه جانبه خواهد کرد آنها که این اواخر در کوبا بوده اند مشاهده کرده اند که چین در باز سازی و مدرن کردن زیر ساختهای کوبا و انتقال تکنیک صنعتی و بهبود ساختار اداری و سیستم مدیریتی چه نقش بزرگی ایفا کرده اند تا جایی که کوبای با در آمد سرانه ناخالص سیصد دلاری در سال ۱۹۹۰ تا هشت هزار دلار در سال ۲۰۱۵ افزایش داده است . چین و کوبا در نظر دارند پیشرفتهای عظیم پزشکی و دارویی این کشور را که شهرت جهانی دارد با تکنیک و سرمایه گزاری مشترک جهانی کنند دور نیست که کوبا با این دست آورد ها در رقابتهای بازارهای جهانی در صدر قرار گیرد.

درود بر تمامی کشورها جهان سوم و رهبران و توده های زحمتکش آنها که با تلاش و مبارزات پیگیر خود موفق شده اند از نظر مادی و نظامی هم ابتکار عمل را به دست گیرند و از همدیگر چه در همکاری منطقه ئی نظیر اتحادیه افریقا ، اتحادیه امریکای لاتین ، اتحادیه برکس متشکل از روسیه ، چین ، هندوستان، افریقای جنوبی ، برزیل ، اتحادیه شانگهای و کشورهای عضو غیر متعهد که در جلوگیری از جنگ جهانی بین دو ابر قدرت در اوج بحرانهای جهانی در سالهای ۱۹۷۰ تا ۱۹۸۵ با عدم جبهه گیری به نفع یکی از دو ابر قدرت مانع این جنگ خانمان برانداز جهانی شدند، پشتیبانی کنند . این موفقیت ها پیروزی دمکراسی توده ئی است که سر بزنگاه های تاریخی به منصفه ظهور می رسد و توده های زحمتکش و رهبران آنها حاضر نمی شوند دست آوردهای خود را با مشتی کشورها و رهبران جهان گشا ، انحصار طلب و جهان خوار نیست و نابود کنند.

شرکت اکثریت قریب به اتفاق کشورها و رهبران جهان سوم در مراسم بزرگداشت فیدل یکی از بر جسته ترین رهبران جهان سوم هشدار می است به تمامی نیروهای سلطه طلب ، زیاده خواه ، متجاوز و انحصار طلب که همبستگی جهانی اکثریت مردم جهان علی رغم تفاوتهای ساختاری ، فرهنگی ، اقتصادی و جغرافیای اقتصادی دیگر اجازه نخواهند داد تا مورد استفاده ابزاری قرار گیرند.

آنها به این اصل دمکراسی رسیده اند که باید از دست آوردهای عظیم خود دفاع کنند و هر نوع انحصار طلبی توسط قدرتهای بزرگ و تمامی خواه را رد کنند این همبستگی با نیروی مادی و معنوی موجود با قدرتی که جهان سوم به دست آورده است همان دمکراسی توده ئی است که با قدرت سر بر آورده است و به پیش می تازد.

۲۰۱۶/۱۲/۰۲